

## عوامل مؤثر بر روان شاهد در رسیدگی های قضایی

حمید رئوفیان<sup>۱</sup>

فهیمه کشاورزبان<sup>۲</sup>

چکیده

نگاهی به پژوهش های روانشناختی مبین این حقیقت است که تا چه حد نارسایی هایی در شهادت ها وجود دارند و پذیرش کورکورانه شهادت ها می تواند چه خطراتی را به دنبال داشته باشد. بنابراین شاید بهتر باشد تا ضرورت بررسی صحت اظهارات شهود، جایگزین زودباوری و پذیرش بی چون و چرای آن ها شود. البته نمی توان به علت شائبه تردید و نادرستی، هر شهادت را مورد انکار قرار داد و تنها به انتقاد منفی پرداخت. بلکه مناسب تر آن است که برای کمک به اجرای عدالت، از روش انتقادی مثبت و سازنده استفاده نمود. در واقع می توان گفت، شهادت یک پدیده روانشناختی است که باید بر اساس تحلیل کم و بیش گسترده، صحت شکل گیری آن بررسی گردد و ضروری است قضات جهت هر چه بهتر اجرا شدن عدالت از علم روانشناسی قضایی در دادرسی های خود آگاه بوده و آن را به کار بندند.

**کلیدواژه ها:** شاهد، شهادت، روانشناسی قضایی، تحمل شهادت، ادای شهادت

مقدمه

دادگاه به منزله مکانی است که در آن درباره گناهکاری یا بی گناهی، آزادی یا حبس و حتی مرگ و زندگی یک فرد تصمیم گرفته می شود. در این صحنه ادله مبتنی بر شهادت اهمیت فراوانی می یابند تا آن جا که می توان شاهد را «چشم و گوش عدالت» دانست. به عبارت دیگر وقتی متهم از اقرار، امتناع می ورزد، شهادت گواهان، دلیلی آسان، ساده و با ارزش به شمار می روند که در عین حال خالی از شائبه اشتباه و نادرستی نیز نمی باشند.

مروری بر پژوهش هایی که در مورد حافظه شهود عینی انجام شده است نشان می دهد که بسیاری از مؤلفان بر سه مرحله دریافت، حفظ و یادآوری تأکید کرده اند. به این ترتیب می توان گفت که هر شهادت دارای سه مرحله متوالی ادراک داده ها، به یادآوری و بازگویی می باشد(دادستان، ۱۳۸۷، ص ۲۴۹).

---

۱- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی- رییس دادگستری شهرستان دهقان  
۲- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

در دستگاه قضایی، شهادت مبتنی بر ادراک دیداری به علت صریح و مطمئن تر بودن آن، از اهمیت خاصی برخوردار است. هر چند ادراک شنیداری نیز در جای خود مهم است. اما به هر حال هر نوع دریافت حسی و ادراکی می تواند نارسایی هایی داشته باشد. شاید بسیار اتفاق افتاده باشد که در رسیدگی های قضایی اظهارات شهود در جزئیات با هم در تناقض بوده اما قاضی رسیدگی کننده علم بر وقوع جرم و تحمل شهادت توسط هر دو شاهد داشته و می بایست در پی حل این تعارض جهت اتقان رأی خود باشد. در صورت شناخت قاضی با علم روانشناسی قضایی شاهد و عوامل مؤثر بر روان شاهد در مرحله تحمل و ادای شهادت هم خود موجبات اقناع وجدانی خود را فراهم نموده و با وجدان راحت مبادرت به صدور رأی می نماید و هم از برجسب شهادت کذب بر شهود به دلیل متعارض بودن جلوگیری می شود. در مقاله حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر روان شاهد در مرحله تحمل شهادت (به معنای مرحله مشاهده کردن و یا شنیدن در محل وقوع جرم یا حادثه) و ادای شهادت (در معنای بیان آنچه شاهد مشاهده نموده است نزد مقام قضایی) به صورت جداگانه پرداخته می شود.

#### ۱. عوامل مؤثر بر روان شاهد در مرحله تحمل شهادت

در تحمل شهادت، از سه مرحله بالا، مرحله ادراک داده ها نقش اساسی ایفا می نماید. زیرا یک سری عوامل روانی بر این ادراک تأثیرگذار می باشند. این عوامل امکان دارد عینی، خارجی و مربوط به محیط اطراف و یا فاعلی و مربوط به شخصیت شاهد باشند که در ذیل به بررسی هر یک از این عوامل پرداخته می شود:

##### ۱-۱. تأثیر شرایط عینی بر ادراک شاهد

شرایط عینی، شرایطی هستند غیر شخصی و غیر مرتبط با شخصیت شاهد. به عبارت دیگر شرایط خارجی به شمار می روند که البته این شرایط توانایی تأثیرگذاری بر روان شاهد در هنگام ادراک وقایع را دارا می باشند. از جمله این شرایط می توان به مدت زمان، مکان، نور (طبیعی، مصنوعی)، کیفیت و نحوه وقوع جرم و مواردی از این قبیل اشاره نمود.

##### ۱-۱-۱. کیفیت و نحوه وقوع جرم

در تحقیقی که ریچاردز<sup>۳</sup> در سال ۱۹۸۱م در مورد تأثیر ماهیت و پیچیدگی صحنه رویدادها به عمل آورد به نتایج جالبی دست یافت. وی به افراد تحت آزمایش، یکی از شش صحنه متفاوت را به صورت فیلمی ویدیویی عرضه نمود. سه فیلم حاوی یک جرم خشونت آمیز بود که در آنها به یک زن حمله و کیف وی ربوده می شد. در سه فیلم دیگر، همان افراد

<sup>3</sup> Richards

نقش داشتند بدون آن که واقعه خشونت آمیزی رخ دهد. در هر صحنه، مرد مورد نظر تنها یا همراه با دو نفر یا همراه با چهار نفر دیگر بود. نتایج نشان دادند که به یادآوری ویژگی های مرد، در صحنه های خشن از دقت و صراحت به مراتب کمتری برخوردار می باشند. در صحنه های آرام، به یادآوری تحت تأثیر تعداد افراد قرار نمی گرفت در حالی که در صحنه های خشونت آمیز، با افزایش تعداد افراد و در نتیجه، با پیچیدگی بیشتر صحنه، به یادآوری به تدریج مبهم تر می شد (دادستان، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲).

قضاوت شهود درباره سرعت نیز بسیار دشوار است. امری که در حوادث مربوط به اتومبیل، تحقیق راجع به آن حائز اهمیت می باشد. به طور معمول شهود بی طرف، سرعت های کم را کمتر و سرعت های زیاد را زیادتر از مقدار حقیقی آن تخمین می زند. همچنین شهود پس از بروز یک سانحه، سرعت های متوسط را بیش از میزان واقعی آن تخمین می زند چرا که معمولاً این تصور وجود دارد که تصادف، ناشی از سرعت است و بدون داشتن سرعت زیاد، تصادفی به وجود نمی آید (التاویلا، ۱۳۸۴، ص ۳۱۱).

نتیجه آن که هر چه پیچیدگی رویداد بالاتر بوده و یا امر تخصصی تر باشد، شهود عادی در درک و ضبط آن ناتوان تر می باشند. در مورد رویداد های پیچیده هر چه مدت زمان مشاهده واقعه بیشتر باشد، ادراک حاصل شده نیز تطابق بیشتری با واقعیت خواهد داشت.

#### ۱-۱-۲. نوع و ماهیت جرایم

درجه وخامت جرم کارآمدی حافظه را تقلیل نمی دهد. اما نکته قابل توجه آن است که در جرایم وخیم و خشونت بار، به دلیل فشار و استرس ناشی از واقعه، فرد به جزئیات، توجه کمتری نموده و به ادراک سطحی تری از موضوع دست می یابد.

تأثیر نوع و ماهیت جرائم مشاهده شده بر شهادت نیز مورد توجه برخی از پژوهشگران قرار گرفته است. صاحب نظران در این زمینه به بررسی تأثیر صحنه های خشونت آمیز بر حافظه شهود عینی پرداخته اند. آنها دو فیلم کوتاه حاوی حوادثی را به دو گروه از افراد نشان دادند. در هر دو فیلم، افراد مشابهی دیده می شدند. با این تفاوت که محتوای یکی از فیلم ها خشونت آمیز و دارای صحنه های تهاجم جسمانی بود. نتایج نشان داد که افراد مورد آزمایش، رویداد های فاقد خشونت را بهتر از صحنه های خشونت آمیز، به یاد می آورند. این مورد از جمله نکاتی است که دادرسان در هنگام رسیدگی و استماع اظهارات شهود باید به آن توجه فراوان نمایند.

#### ۱-۱-۳. نور و رنگ صحنه جرم

میزان روشنایی صحنه وقوع رویداد نیز بر ادراک و در نتیجه بر بازشناسی و به یادآوری آن، مؤثر است. نتایج پژوهش ها حاکی از آن است که وقتی حادثه به جای روز یا شب به هنگام غروب اتفاق می افتد اظهارات شهود متناقض تر می شوند و یا این که صحت ادراک وقایع به هنگام روز و آغاز غروب آفتاب بهتر از پایان غروب و شب می باشد.

به علت میزان روشنایی و تأثیر آن بر رنگ ها، نه فقط رنگ یک شیء بلکه تمام جریان یک واقعه ممکن است نادرست درک شود. برای نمونه در تاریک و روشن، رنگ قرمز ممکن است خاکستری یا سیاه به نظر برسد. در همین حال اگر ثابت شده باشد که رنگ لباس متهم قرمز بوده است اما شاهد به یاد آورد که لباس وی خاکستری رنگ بوده است، فرد در نقطه عزیمت استدلال خود، عنصری نادرست می یابد در نتیجه خود را قانع می سازد که شخص دیگری را مشاهده نموده است.

دادرس در هنگام استماع اظهارات شهود باید زمان دقیق وقوع حادثه و میزان نور موجود در صحنه را سؤال نموده تا بتواند به تحلیل دقیق تری از اظهارات شهود دست یابد و جریان عدالت در مسیر صحیح خود قرار گیرد.

#### ۴-۱-۱. طول مدت مشاهده

مقایسه نتایج آزمایش ها نشان می دهد که مدت زمان ادراک رویداد بر حافظه مؤثر است. ریچاردز در سال ۱۹۷۷م در نمونه ای از افراد پلیس، به این نتیجه رسید که به یادآوری موقعیت مورد نظر پس از مشاهده رویداد به مدت سی ثانیه به مراتب بهتر از مشاهده آن به مدت پانزده ثانیه بوده است. آن چه مسلم است هر چه مدت مشاهده طولانی تر باشد، فرد می تواند به جزئیات بیشتری از واقعه توجه نموده و در نتیجه به ادراک مناسب تری از موضوع دست یابد. موضوعی که در وقایع ساده، عاری از خشونت و با مدت مشاهده طولانی بسیار مشهود و قابل لمس می باشد.

موارد ذکر شده در بالا، از جمله مواردی به شمار می روند که به عنوان عاملی خارجی، ادراک شاهد را تحت تأثیر قرار می دهند و البته دادرسان در مقام رسیدگی باید به آنها توجه کامل داشته باشند. علاوه بر عوامل خارجی، عواملی شخصی نیز وجود دارند که مؤثر بر ادراک افراد می باشند. در قسمت آتی به این موضوع پرداخته خواهد شد:

#### ۲-۱. تأثیر شرایط شخصی بر ادراک

شرایط شخصی، از جمله شرایطی هستند مربوط به شخص شاهد که تأثیر مستقیم بر ادراک فرد از واقعه دارند. می توان از این شرایط تحت عنوان شرایط درونی نیز نام برد که دارای مصادیقی مانند میزان توجه، احساسات درونی، عادات و قوانین ادراکی می باشد.

#### ۱-۲-۱. عادات روانی

از جمله قوانین حاکم بر ادراک در مباحث روانشناسی این است که اگر اشیا یا چیزهایی که در میدان ادراکی فرد قرار دارند ناقص باشند، ادراک، گرایش به بازسازی و تکامل آنها دارد و در این بازسازی از قوانین و عادات حاکم بر مجموعه، استفاده فراوان می نماید.

با در نظر گرفتن این قانون، طبیعی به نظر می رسد که برخی از جزئیات مورد توجه گواه واقع نشوند یا جزئیات بی اهمیتی از لحاظ پرونده، توجه وی را به خود جلب نمایند. افزون بر این، گرایش به پر کردن خلا ادراکی، موجب می

شود تا به مرور زمان، شاهد نقایص ادراکی خود را به کمک عادات ذهنی خود تکمیل نموده و در نتیجه از اشیاء یا صحنه های نامتداول و غیر عادی، خاطراتی را حفظ و بیان نماید که برای وی جنبه متداول و عادی دارند.

این مسأله امروزه به اثبات رسیده است که بسیاری از شهادت ها، همسو با عادت های روزمره، یعنی در جهت آن چه جنبه عادی داشته است، به اشتباه آلوده می شوند (دادستان، ۱۳۸۷، ص ۲۶۰).

آزمونی در این باره توسط محققانی همچون «برونر»<sup>۴</sup> و «پستمن»<sup>۵</sup> در سال ۱۹۴۹م صورت گرفت. در این آزمون از تعدادی برگه های بازی استفاده گردید با این توضیح که در برخی از آنها، رنگ ها با شکل ها منطبق نبودند (برای مثال اگر رنگ معمول شیئی آبی تیره بود، در این آزمون رنگ زرد جایگزین آن شده بود). تعدادی از افراد، بر اساس عادت ذهنی خود برگه های نامعمول را به رنگ معمول مشاهده و گزارش نمودند.

گروه دیگر نیز، ضمن آن که به نامعمول بودن اوراق پی برده بودند، با یک ادراک مصالحه آمیز، رنگی را توصیف کردند که حد فاصل بین رنگ واقعی و رنگ معمول به شمار می آمد.

همین محققین، جهت بررسی تأثیر عادت، آزمایش دیگری را نیز انجام دادند. در این آزمایش، تصاویر یک برگ و یک حیوان را از پارچه سبز رنگ مشابهی جدا نموده و آنها را به طور جداگانه به افراد نشان دادند. به طور تقریبی، تمامی افراد تحت تأثیر ساخت های ادراکی خود، رنگ برگ را سبزتر از رنگ حیوان گزارش نمودند.

با مثالی دیگر این موضوع روشن تر می گردد. استادی متوجه می شود مدالی را که هر روز به زنجیر ساعت خود می آویخت، گم کرده است. شاگردان کلاس های مختلف تصدیق می نمایند که صبح آن روز مدال را دیده اند و خصوصیات آن را نیز شرح می دهند. اما مدال در رستورانی پیدا می شود که استاد در روز قبل آنجا غذا خورده است.

هر فرد در زندگی خود دچار این اشتباهات می گردد و گمان می نماید کاری را که هر روز انجام می داده است، در آن روز معین هم انجام داده است. به بیان دیگر تکرار یک عمل، ما را به یک ترکیب عادت می رساند. در مثال فوق دانشجویان بر حسب عادت همیشه زنجیر را با مدال می دیدند در آن روز خاص نیز با مشاهده زنجیر گمان نموده اند که مدال را هم دیده اند (التاویلا، ۱۳۸۴، ص ۲۸۶) یا اگر افراد به طور ثابت، همیشه (الف) و (ب) و (ج) و (د) را باهم دیده باشند، مشاهده (الف) و (ب) و (د) کافی خواهد بود که آنها را دچار این پندار و خطا نماید که (ج) را هم دیده اند.

جمع بندی مطالب بالا نشان می دهد که ارزشیابی هر شهادت، مستلزم در نظر گرفتن رابطه فرد و موضوع، از نخستین مرحله ادراک می باشد. هنگامی که ادراک به صورت ناقص صورت می گیرد، شخصیت و عادات روانی فرد سعی در

<sup>4</sup> Brunner

<sup>5</sup> Postman

تکمیل نواقص می نمایند. این امر در بین کودکان و مشاهده کنندگان سطحی بسیار مشهود بوده و در نتیجه امکان بروز اشتباهات ادراک زیاد می باشد. هنگامی که نزد تمامی اعضای یک جامعه مانند مدرسه یا شهر کوچک، ادراکات قبلی ثابتی وجود داشته باشد که این چنین عادت را به وجود آورده باشد، بروز اشتباه نیز زیاد می شود.

پس باید در نظر داشت که هر ادراکی برداشت مستقیم از واقعه نمی باشد بلکه جنبه گزینشی داشته، عادات روانی و شخصیت فرد، گزینش گر این ادراک می باشند.

## ۲-۱-۲. میزان توجه

شهود به طور معمول در شرایط کم و بیش نامساعدی قرار دارند. شرایطی که با شرایط مشاهده کننده ای که دارای آمادگی قبلی است بسیار متفاوت است. در واقع، به گونه ای ناگهانی، غیر ارادی، پیش بینی نشده و بدون رغبت و توجه است که شاهد در برابر حادثه ای قرار می گیرد و بعد ها از وی می خواهند تا جزئیات آن را توصیف نماید.

گرچه شرایط تحقیقات آزمایشگاهی درباره فقدان یا انحراف توجه با شرایط مشاهدات واقعی متفاوتند. اما نتیجه ای که از این تحقیقات به دست آمده این است که افراد، جمله هایی را که از نظر آنها دارای محتوای مهم تری می باشند بهتر از دیگر جملات درک کرده و به خاطر می سپارند. با توجه به نسبی بودن ارزش اشیاء و امور در نظر افراد و بستگی آن به زمان، مکان و سایر عوامل، هر چیزی ارزش آن را ندارد که درک شده و در خاطر بماند.

مسأله رغبت و انگیزه فرد عامل مؤثر در برانگیختن توجه جهت مشاهده و درک واقعه می باشد. برای مثال زنی می بیند مردی بر اثر ضربات بسیار شدید بر زمین می افتد. تصور لزوم نگاه کردن به یک جسد و تفر ناشی از آن موجب می شود تا یک زن، هیچ انگیزه و رغبتی جهت درک واقعه نداشته و نگاهش را از آن محل برگرداند. حال اگر زن در مقام ادای شهادت قرار گیرد نمی تواند به طور دقیق حادثه را تشریح نماید چرا که به دلیل عدم وجود انگیزه، از توجه به امر اجتناب نموده است. علاوه بر رغبت و انگیزه، عوامل ثانوی و دل مشغولی های فرد نیز در میزان توجه به یک واقعه تأثیر فراوان دارند. شاهدهی که می ترسد مورد اصابت گلوله تفنگ قرار گیرد، ممکن است چنان مسحور سلاح شود که از درک عناصر و عوامل مهم واقعه غافل گردد. دیگری می بیند کیفش را از تصرفش خارج نموده و دست به دست می گردانند. چنین فردی نیز به احتمال قوی متوجه چهره و لباس سارقان نمی گردد.

از جمله دیگر عوامل که بر سطح توجه افراد و در نتیجه ادراک آنها از واقعه مؤثر می باشد تراکم اشیاء و افعال در واقعه ای خاص می باشد. هر چه تراکم اشیاء در صحنه حادثه بالاتر باشد سطح توجه فرد پایین تر می آید. همچنین هر چه رویداد، خشونت آمیزتر و یا ناخوشایندتر باشد کارآمدی ذهن نیز به همان میزان کاهش می یابد.

دادرسان در مقام رسیدگی، باید به شرایط واقعه و شخص شاهد جهت تعیین میزان توجه وی در هنگام تحمل شهادت، دقت کافی داشته باشند.

عواطف به معنی عام شامل عشق، کینه، حسد، خشم، هیجان و... می تواند ادراک را به سوی دیگر منحرف سازد در حالی که فرد از چنین امری غافل می باشد. انسانی که دستخوش خشم شدیدی است، حقایقی را که می خواهد لحظه ای بعد به یاد آورد، همه را به دست فراموشی می سپارد. وی بدون توجه به تأثیر حالات هیجانی خود، تعاریف و اطلاعاتی درباره واقعه به دست می آورد که درباره صحت آنها، هیچ گونه تردیدی نمی ورزد. وی هیجان و خشم خود را جانشین منطق و استدلال کرده و به داوری و قضاوت درباره چگونگی وقوع حادثه می پردازد.

درجه شدت عشق و به خصوص کینه نیز دارای آثار قابل ملاحظه ای است. گرچه عشق، ادراک را محدود و مختل می نماید اما آثار زیان بار آن به مراتب کمتر از کینه پنهانی است که نه تنها دروغ را در پی دارد بلکه به خطا هایی حسی نیز منجر می شود و می تواند منبع شهادت کذب به شمار آید.

علاوه بر خشم، عشق و کینه، حالات هیجانی نیز در ادراک صحیح از واقعه مؤثر می باشند. هیجان نیز مانند کینه تا حد زیادی ادراک را مختل می نماید. برخی از پژوهشگران با ترتیب دادن یک صحنه مهیج که موجب غافلگیری گواهان می شده است، به بررسی این امر پرداخته اند. در یکی از این آزمایش ها (بونستر بوگ در سال ۱۳۱۴م) یک صحنه نزاع ساختگی فراهم گردید و سپس در عین نزاع، یکی از طرفین دعوی به طور ناگهانی اسلحه ای را بیرون کشید. در این آزمایش، شهادت ها در مورد صحنه بیرون کشیدن اسلحه نسبت به صحنه اصلی نزاع، به مراتب از کیفیت پایین تری برخوردار بود.

در آزمایش هیجانی نوع دیگر (رودلونسکی در سال ۱۳۷۴م) که در آن فردی به ظاهر دچار برق گرفتگی می شود، همان نتیجه بالا حاصل می شود. در این آزمایش سطح پاسخ های زنان پایین تر از سطح پاسخ های مردان بود که می توان علت این تفاوت را در هیجان پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان جستجو نمود.

به نظر می رسد که عوامل هیجان انگیز ضعیف، رغبت و توجه را برمی انگیزد در حالی که هیجان های شدید، ادراک را دچار اختلال می نمایند. بنابراین، با آنکه هیجان به محدود شدن میدان ادراک می انجامد اما نادیده انگاشتن برخی از جزئیات، مانعی در راه ادراک کلیات به وجود نمی آورد. پس به شرط در نظر گرفتن شدت و نوع هیجانی که شاهد، احساس کرده است می توان از شهادت وی درباره جریان کلی رویداد، سود جست.

علاوه بر هیجان، هم احساسی یا ناهم احساسی، حالتی است که بی تردید در بیشتر روابط انسانی، نقش مؤثری را ایفا می کند. در یک پژوهش، صحنه نزاع یک سیاه پوست با یک سفید پوست در داخل یک قطار شهری در حومه نیویورک، نشان داده می شود. در دست چپ مرد سفید پوست، یک وسیله برنده قرار دارد. پس از مشاهده تصویر، از افراد خواسته می شود تا به شرح مشاهدات خود بپردازند. تعدادی از آنها وسیله برنده را دست مرد سیاه پوست قرار داده و حتی

برخی نیز اضافه کردند که وی، تیغ را به طرف مرد سفید پوست نشانه گرفته بوده است. چنین اشتباهی را می توان به زمینه عاطفی و یا به عبارت دیگر به همسانی نژادی مشاهده کنندگان تصویر با مرد سفید پوست نسبت داد.

روشن بینی دادرس که به پرونده تحت نظر خود رسیدگی می نماید زمانی اشکار می شود که بتواند این هیجانات و عواطف را مشخص کند. برای کسی که باید با توجه به شهادت حکم کند بسیار لازم و ضروری است که بداند، فاعل، تحت چه شرایط روانی و عاطفی به تحمل شهادت پرداخته است تا از این طریق بتواند هر چه دقیق تر به ارزشیابی شهادت و در نتیجه احقاق حق بپردازد.

## ۲. عوامل مؤثر بر روان شاهد در مرحله ادای شهادت

به یادآوری و بازگویی خاطرات در بدو امر، تحت تأثیر چگونگی شکل گیری تصاویر ادراکی قرار دارند و سپس در جریان فرایند های متوالی، عوامل دیگری نیز تغییراتی در آنها به وجود می آورند. با این حال شرایط به یادآوری خاطرات از شرایط تثبیت آنها کم اهمیت ترند، چرا که اگر تصاویر به درستی و با صراحت تثبیت شده باشند، علیرغم آن که با گذشت زمان کم رنگ می شوند، تا حد زیادی پایدار می مانند.

از سه مرحله شکل گیری شهادت، مراحل به یادآوری و بازگویی وقایع در هنگام ادای شهادت تجلی و نمود می یابند. در این گفتار عواملی که می توانند دگرگونی هایی را در فرایندهای مذکور ایجاد نمایند، مورد بررسی قرار می گیرند.

### ۲-۱. تأثیر شرایط عینی در یادآوری و بازگویی

همان طور که در مبحث پیشین اشاره شد شرایط عینی، شرایطی غیر مرتبط با شخصیت شاهد هستند که البته توانایی تأثیرگذاری بر شاهد در هنگام ادای شهادت را دارا می باشند. از جمله این شرایط می توان به فواصل زمانی میان زمان تحمل و ادای شهادت، تأثیر افکار عمومی جرایم و شایعات و یا فرآیند بازپرسی اشاره نمود.

#### -فاصله زمانی میان ادراک تا بازگویی

این باور عمومی و البته مطابق با واقع وجود دارد که گذشت زمان به تغییر، بازسازی، کمرنگ شدن و حتی محو شدن خاطرات می انجامد و آن چه از یک رویداد درک و ضبط گردیده است به تدریج دچار اختلال و نقصان می گردد.

با گذشت زمان، وقایع ضبط شده به دو گونه محو خواهد شد: یا شاهد، جزئیات را پی در پی و یکی پس از دیگری فراموش می نماید و یا جزئیات چنان در هم آمیخته می شوند که دیگر قابلیت ارائه خود را از دست می دهند. به همین علت است که به خاطرات قدیمی کمتر اعتماد شده و بین دو شهادت که با فاصله زمانی صورت گرفته اند اولی ترجیح داده می شود (نجفی توانا، ۱۳۸۵، ص ۲۵).



در مقام تعارض بین شهادت های متعدد از یک فرد، شهادت ابتدایی باید پایه و ملاک قرار گیرد چرا که فرد در شهادت ابتدایی خود هنوز فرصت کافی نیافته تا تخیلات و افکار خود را با واقعه ترکیب نماید و در نتیجه به بیان واقعه به همان صورتی که رخ داده است می پردازد. البته باید بیان داشت استناد به شهادت ابتدایی در صورتی است که اصول بازجویی به طور کامل رعایت شده باشد و مکان و زمان اخذ شهادت به گونه ای بوده باشد که شاهد، احساس آرامش کامل بنماید.

در نهایت باید توجه داشت که مروری بر یافته های پژوهشی مبین این امر است که فواصل زمانی، احتمال بروز اشتباهات شهود در تشخیص هویت متهمان را افزایش می دهد. بنابراین اگر فاصله بین وقوع جرم و ادای شهادت زیاد باشد، اختلاف نظر شهود به مراتب بیش از فاصله های زمانی کوتاه مدت خواهد بود.

## ۲-۲. افکار عمومی و فضای حاکم اطراف شاهد

گرچه فاصله زمانی میان ادراک و بازگویی از اهمیت فراوانی برخوردار است اما رویداد هایی که در این فاصله رخ می دهند نیز بسیار با اهمیت اند. در تمامی مدت قبل از ادای شهادت، بر حسب فضای حاکم در اطراف شاهد و همچنین بر حسب مقاومت وی در برابر عوامل بیرونی، خاطرات شاهد دستخوش تغییراتی می گردد. این عوامل به طرق مختلف، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر فرد اثرگذار هستند.

از جمله عواملی که نفوذ و تأثیر فراوانی بر شکل گیری افکار عمومی جامعه داشته می توان به وسایل ارتباط جمعی و روزنامه ها به طور خاص اشاره نمود. در مسایل جنایی هیجان انگیز، جرایم که بیشتر طالب اخبارند و کمتر به صحت خبر توجه می نمایند بر فضای حاکم بر جامعه و وضع روانی شهود اثرگذارند. پژوهشگران (پرنو و لافتوس دو محقق آمریکایی) در پی بررسی تأثیر جرایم بر شهادت شهود، به این نتیجه رسیدند که خواندن یک شرح نادرست از رویدادی که فرد شاهد آن بوده است این تمایل را در وی ایجاد می نماید تا شهادت خود را بر این برداشت جدید که برایش جنبه عمومی دارد، منطبق نماید. چرا که شاهد تمایل دارد جهت تأثیر و تصدیق توسط افراد جامعه، خود را هم رنگ و هم نظر با عموم جامعه نماید.

شایعات دارای اثر بیشتری بر شاهد می باشند، به طور خاص اگر شهود افرادی تلقین پذیر و دارای شخصیتی انفعالی باشند؛ در این مواقع باید از شاهد درخواست نمود تا به طور دقیق آنچه را مشاهده نموده است بیان کرده و اگر شایعه ای در این باره شنیده است، با تفکیک موضوع، منبع آن را ذکر نماید.

«سوگیری» از جمله عواملی دیگر ناشی از فضای حاکم اطراف شاهد است که منجر به تحریف شهادت می گردد. برای مثال اگر به افرادی از دو گروه خاص، به طور مثال دانشجویان دو دانشگاه مختلف فیلمی از بازی فوتبال که هر دو دانشگاه در آن شرکت داشتند نشان داده شود دانشجویان در گزارش خود، خطاهای تیم رقیب را به مراتب بیش از

خطاهای تیم خود ارزیابی می نمایند. این امور به خوبی بیانگر این است که شاهد، فردی مستقل از جامعه نمی باشد، بلکه وی هم به عنوان عضوی از اعضای جامعه همواره در ارتباط با دیگران بوده، فضا و جو حاکم جامعه بر وی تأثیر فراوان می گذارد. دادرسان نیز باید به این امر توجه داشته باشند که پیران و به خصوص کودکان نسبت به بزرگسالان، زنان نسبت به مردان و افراد تابع محیط نسبت به افراد مستقل، تلقین پذیری بالاتری دارند.

### ۲-۳. تأثیر پذیری از فرایند دادرسی

شاهد به عنوان رکنی از ارکان پرونده کیفری، جهت ادای شهادت در مرجع قضایی حضور می یابد. در این میان، عوامل گوناگونی هستند که در هنگام حضور وی در محکمه، بر چگونگی ادای شهادت وی تأثیر گذارند.

منظور از فرایند دادرسی، کلیه عملیات و اقداماتی است که در رابطه با شاهد و در هنگام حضور وی، به عمل می آید. این اقدامات علاوه بر این که مطابق با قوانین آیین دادرسی لازم و ضروری است، آثار روانی فراوانی نیز بر شاهد بار می نماید.

در این قسمت به بررسی آثار مربوط پرداخته می شود:

#### ۱-۲-۳. اتیان سوگند قبل از ادای شهادت

قوانین اغلب کشورها از جمله ماده ۲۰۹ از قانون آیین دادرسی کیفری و ۲۳۶ از قانون آیین دادرسی مدنی ایران، اتیان سوگند را امری الزامی جهت ادای شهادت برشمرده اند تا از این طریق اعتماد بیشتری بر اظهارات شاهد حاصل گردد. اما در عمل می توان گفت هدف قانون گذار تا حد بسیار کمی تحقق یافته است و به جای آن که اظهارات شهود مستحکم تر گردد از ارزش و اهمیت سوگند کاسته شده و بیشتر به صورت یک عمل تشریفاتی در آمده است. پس به طور کلی نمی توان گفت ادای سوگند به خودی خود ضامن صداقت و راستگویی شهود باشد چرا که افراد با درجه ایمان ضعیف و یا حتی درجه ایمان متوسط، هنگامی که منافع خود را در خطر می بینند از ادای سوگند دروغ آسایی نخواهند داشت.

با این حال آن چه مسلم است، اتیان سوگند وجدان افراد معتقد را بیدار نموده و آنها را ملزم به راستگویی می نماید. این امر هنگامی که سوگند توسط اعمال دیگر تشدید گردد به خوبی مشهود و نمایان می باشد. برخی از پژوهشگران (شفر، ۱۹۸۱) پاسخ های مؤکد به سوگند و غیر مؤکد به سوگند را با یکدیگر مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده اند که به طور معمول قابلیت اعتماد پاسخ های گروه اول کمی برتر (۱۰ تا ۲۰ درصد) از پاسخ های گروه دوم بوده است. به هر حال به نظر می رسد حداقل در مورد شهودی که از حدی از وسواس برخوردارند، سوگند موجب می شود تا درباره اظهارات خود بیشتر دقت نمایند.

#### ۲-۲-۳. تعدد شهود

در حقوق اسلامی در موارد بسیار محدودی شهادت یک فرد مورد پذیرش قرار گرفته است و تقریباً در تمامی موارد، تعدد شهود جهت اثبات جرایم لازم دانسته شده است. این امر در دیگر مذاهب نیز به همین صورت انعکاس داشته است. چرا که در تورات آمده است: «مورد اتهام هر چه باشد، چه خطا چه جنایت، شاهد واحد برای اثبات آن کافی نیست. هر حکمی باید مبتنی بر ادای شهادت دو یا سه شاهد باشد.»

در واقع نظر به این که شهادت به عنوان دلیل از نظر حصول اطمینان قضایی از ارزش فوق العاده ای برخوردار است، یک شاهد برای این که به تنهایی بتواند برای حصول یقین قاضی کافی باشد باید از دقتی بالا و عمیق برخوردار باشد. اما همان طور که بیان گردید شاهد پس از رویت واقعه، عقاید و احساسات خود را دخیل می نماید و حتی چه بسا در همان مرحله تحمل شهادت، نتواند به ادراک درستی از موضوع دست یابد. به همین دلیل مناسب است تا از شهود متعدد جهت روشن شدن واقعه استفاده نمود. این کار گرچه فرآیند دادرسی را طولانی می سازد اما نور حقیقت را بر موضوع می تاباند. ادای شهادت توسط افراد متعدد گرچه منافع بالا را تضمین می نماید اما مضراتی نیز به همراه دارد.

نتایج حاصل از بررسی های به عمل آمده توسط گروهی از متخصصان روانشناسی ثابت کرده است که یک مشاهده گر قادر است نظر خود را با نظر اکثریت وفق دهد. حتی موقعی که نظرات آنها به طور کامل اشتباه بوده است. در یک آزمایش از افرادی خواسته شد تا وقوع یک جرم را که قبلاً مشاهده کرده بودند توصیف نمایند. در ابتدا این افراد به صورت تک تک وقوع جرم را مشاهده و مورد سؤال واقع شدند. سپس آنها با همان صحنه به صورت گروهی مواجه شدند. توصیفات گروهی کامل تر بود و جزئیات بیشتری در مقایسه با آزمایش های انفرادی به دست آورد؛ اما توصیفات گروهی دارای اشتباهات به مراتب با اهمیت تری نسبت به توصیفات فردی بود به طوری که اطلاعات ارائه شده توسط آنان در نادرست بودن برخی جزئیات با هم مطابقت داشت. اگر افرادی، هر چند ناخودآگاه، سعی نمایند با اتخاذ یک فرضیه نادرست و بدون توجه به حقیقت، حادثه را مطابق با تئوری و عقاید خودشان تعبیر نمایند این کار موجب تحریف و بی اعتباری اطلاعات خواهد گردید (نجابتی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۷).

آن چه از نتیجه دیگر پژوهش ها نیز به دست آمده مبین این امر است که پاسخ های شهود پس از گفتگو با یکدیگر به سوی یک میانگین که از میانگین پاسخ های فردی کامل تر است گرایش می یابد اما همین بحث گروهی موجب می شود تا شهود، نکاتی را که مشاهده نکرده اند به گفته های خود بیفزایند و اشتباهات زیادتری را نیز مرتکب شوند.

۳-۲-۳. نوع و محتوای پرسش ها

در ابتدا باید عرضه داشت طبق مطالعات به عمل آمده، شهادت خود به خودی از شهادت در برابر پرسش، بیشتر مورد اعتماد می باشد و البته جزئیات کمتری در آن مورد اشاره قرار می گیرد؛ تجربه قضایی نیز مؤید این مطلب می باشد. شخصی که سؤال می کند رفتارش به مثابه یک محرک حافظه است. طرح سوالات باعث می شود شاهد وادار به یادآوری کیفیاتی گردد که در هنگام ادای نخستین شهادت به فراموشی سپرده است و یا به نظر وی فاقد اهمیت بوده اند.

لارگیه دبان سلس توانست ثابت نماید که ادای شهادت در مقابل سؤال تا ۷۵ درصد مورد اعتماد است و این در صورتی است که میزان اعتماد در ادای شهادت خود به خودی به ۹۰ درصد می رسد (التاویلا، ۱۳۸۵، ص ۲۹۳). دلیل آن هم این است که اطلاعات جدیدی که از راه بازجویی به دست آمده، در اغلب موارد برای خود شاهد مورد تردید و نامعلوم بوده است اما این اطلاعات، در جریان بازجویی، به یک یقین ذهنی تبدیل می شوند که اغلب بر پایه ای نامناسب و نسنجیده استوارند. علاوه بر آن شخص بازجو، ناخواسته مواردی را به شاهد تلقین می نماید. بازجو در کمال حسن نیت در صدد بر می آید تا بر حافظه شاهد فشار آورد و او را وادار سازد اجزای درک نشده یا فراموش شده خاطرات خود را با ابداعات تخیلی تکمیل نماید که اغلب این ابداعات ملهم از خود مأمور بازجو می باشد.

در هر صورت نمی توان ضرورت طرح سؤال توسط بازجو را جهت روشن شدن زوایای پنهان پرونده انکار نمود. آن چه معلوم است این است که حافظه شاهد درباره یک رویداد می تواند به گونه ای نظام مند تحت تأثیر شیوه پرسشگری و اصطلاحات مورد استفاده بازجو قرار گیرد.

در این قلمرو می توان به نتایج دو پژوهش اشاره نمود. در پژوهش اول صحنه هایی از یک تصادف به افراد نشان داده شد و از افراد خواسته شد تا به سؤالاتی پاسخ دهند. پرسش اصلی عبارت بود از: اتومبیل ها به طور تقریبی با چه سرعتی حرکت می کردند وقتی با یکدیگر...؟! و در هر موقعیت کلمه یا عبارت متفاوتی مانند تصادف، برخورد، ضربت، تصادم، تماس و اصابت برای پر کردن جای خالی به کار رفت. یافته ها نشان دادند که اصطلاحات مورد استفاده در تخمین سرعت موثر بودند (انصاری، ۱۳۸۰، ص ۳۲۰).

در پژوهشی دیگر، شهود فیلمی را تماشا کردند که حرکت یک اتومبیل را در یک جاده روستایی نشان می داد. به هنگام پرسش در مورد موضوع فیلم از گروهی از افراد خواسته شد تا سرعت اتومبیل را در هنگام گذشتن از کنار انبار تخمین بزنند و از گروهی دیگر همین سؤال بدون اشاره به لفظ (انبار) مطرح گردید. یک هفته بعد، مجدداً از همین افراد پرسیده شد که آیا انبار را در فیلم دیده بودند؟ بیش از ۱۷ درصد از افراد گروه نخست، وجود انبار را تأیید کردند در حالی که تنها ۳ درصد از گروه دوم مرتکب اشتباه شدند.

همین پژوهش نشان داد هر چه شأن و منزلت بازجو بالاتر باشد، احتمال پذیرفتن اطلاعات گمراه کننده و غلط نیز بیشتر می باشد.

علاوه بر مطالب بالا، باید به نوع بیان در هنگام پرسش نیز دقت نمود. سؤالات همیشه باید با عبارت مثبت تهیه و تنظیم گردند. سؤالاتی نظیر (شما واقعا عقیده ندارید که این طور است؟) به طور تلویحی اشاره به این مطلب دارد که هر چیز دیگری به غیر از یک جواب منفی غیر قابل قبول خواهد بود. سؤال (شما به آن عقیده دارید؟) به شاهد اجازه خواهد داد تا آزادانه تر در مقام پاسخ برآید.

باید در نظر داشت جهت دست یابی به یک مصاحبه فوق، راحتی شاهد از اهمیت فراوانی برخوردار است. به همین دلیل مصاحبه گر بایستی اصول روانشناسی را در انتخاب زمان و مکان مصاحبه در نظر داشته باشد. به عنوان مثال مأمور تحقیق باید سعی نماید وقت معینی را برای مصاحبه با شهود به ویژه افراد معتبر و سرشناس به منظور راحتی آنها تعیین نماید. علاوه بر آن انجام مصاحبه به طور محرمانه از درجه اهمیت فراوانی برخوردار است و آشفتگی ها، نامرتب بودن وضعیت منزل، محل کار یا اداره تأثیر زیان آوری بر مصاحبه و نتایج حاصل از آن خواهد داشت. مصاحبه گر حتی الامکان باید بر محرمانه بودن مصاحبه اصرار ورزد(نجابتی، ۱۳۷۵، ص ۲۶۶).

همان طور که بررسی گردید دادرسان و مأمورین انتظامی در تحقیقات خود از شهود باید تمامی جوانب را در نظر گرفته و با احتیاط کامل با موضوع برخورد نمایند چرا که حتی لحن و کلمات پرسش، مکان، زمان و حالات شاهد در هنگام ادای شهادت حائز اهمیت می باشند و بر روند دادرسی تأثیر فراوانی دارند.

#### ۴-۳-۲. تکرار شهادت

انجام مصاحبه مکرر موجب جلب همکاری و رفتار صمیمانه شاهد با پلیس می گردد اما این عمل باعث ناراحتی باطنی و قلبی آنان خواهد گردد. همچنین ممکن است شهودی که برای بار دوم مورد مصاحبه قرار گرفته اند چنین احساس کنند که مأمور تحقیق به وظایفش آشنا نمی باشد یا در مصاحبه ابتدایی چیزی دستگیرش نشده است. برای رفع این مشکل در مرحله اول مأمور تحقیق باید به شاهد تذکر دهد که هدف از مصاحبه مجدد تکرار مباحث قبلی نیست و توضیح دهد که چرا درصدد کسب اطلاعات جدید می باشد.

نکته دیگری که باید مد نظر داشت این است که شاهد، اغلب در ادای شهادت دوم، برای پرهیز از این که در مظان نادرستی قرار گیرد و اجتناب از این که او را دروغگو می پندارند، می کوشد تا سخن مغایر با شهادت نخستین بر زبان نیاورد. بدین سان، هنگامی که شاهد برای ادای شهادت در جلسات محاکمه علنی احضار می شود، تلاش وی در آن است که ادای شهادت قبلی را تکرار نماید. اگر قاضی او را راهنمایی و وادار به ادای شهادت کرده باشد، گرچه در محکمه با دلیلی روبرو شود که در اثر آن، خاطراتی تازه به یادش آید، با شتاب، توجه را به آن چه قبلاً گفته بود معطوف داشته و به همان ادای شهادت قبلی اکتفا می کند. به همین دلیل است که مذاکرات جلسه علنی دادگاه در اغلب موارد به تولید مجدد آن چه که قبلاً در مرحله بازپرسی، تند نویسی و در پرونده ثبت شده، منجر می شود.

با این وجود، مأمور تحقیق به هنگام ضرورت نباید در انجام مصاحبات مکرر، درنگ نماید بلکه باید با افزایش مهارت و در نظر گرفتن نکته مذکور، سعی در کشف زوایای پنهان پرونده نماید.

#### ۲-۲. تأثیر شرایط فاعلی در یادآوری و بازگویی

شرایط فاعلی یا شرایط شخصی، از جمله شرایطی به شمار می‌آیند که مربوط به شخص شاهد بوده و تأثیر مستقیم و گاه غیر مستقیم بر یادآوری و بازگویی فرد داشتند. می‌توان از این شرایط تحت عنوان شرایط درونی نیز نام برد که دارای مصادیقی مانند شخصیت اخلاقی، شغلی و فرهنگی شاهد می‌باشد.

#### ۱-۲-۲. شخصیت اخلاقی شاهد

به طور کلی شخصیت درونی افراد در اعمال آنها نمود و جلوه می‌یابد. ادای شهادت نیز از جمله افعالی می‌باشد که از این امر مستثنی نمی‌باشد. بسته به این که فرد کنجکاو باشد یا بی‌علاقه، پر حرف باشد یا خجول و ترسو، برخورد های متفاوتی را می‌طلبد.

مصاحبه با شهود بی‌علاقه، ساکت و با تکیه کلام (هیچی نمی‌دانم) بسیار مشکل است. این افراد نمی‌خواهند هیچ اطلاعاتی، خوب یا بد، غلط یا صحیح، دقیق یا ناقص در اختیار کسی بگذارند. بعضی از افراد از گروه مذکور به دلیل این که نمی‌خواهند وارد مهلکه شوند از صحبت کردن پرهیز می‌نمایند و عده‌ای دیگر از هر گونه ارتباطی با دستگاه های امنیتی - قضایی هراس دارند. گروهی دیگر نیز ممکن است دارای هوش محدودی بوده و یا معتقد باشند که اطلاعاتشان غیر قابل استفاده می‌باشد.

در این موارد مأمور تحقیق بایستی با مهارت و با استفاده از تکنیک های بازجویی در ابتدا فضایی دوستانه و به دور از هر گونه تکلیفی را برای شاهد ایجاد نماید تا از این طریق بتواند ذهن شاهد را برای همکاری آماده نماید. علاوه بر آن فرد بازجو باید اهمیت کمک آنها را در امر تحقیقات بازگو نماید تا از این طریق بتواند این گونه افراد را متقاعد به همکاری نماید.

شهودی نیز وجود دارند که دارای شخصیتی خجالتی و ترسو می‌باشند. عوامل ایجاد کننده این خجالت و ترس می‌تواند مواردی از قبیل فقدان تعلیم و تربیت صحیح، لکنت زبان، عدم آشنایی با روند تحقیقات و تشکیلات پلیسی - قضایی باشد. این ترس به خصوص در مورد مهاجرین و افراد تبعه دیگر کشورها به خوبی مشهود است. همچنین قربانیان جرایم جنسی نیز درباره ارائه جزئیات خجول می‌باشند. جهت برقراری ارتباط با این گونه شهود وقت و دقت زیادی لازم است و باید نقش مأمور تحقیق، فواید مصاحبه، مخفی ماندن اظهارات و تمایل به کمک به قربانیان برای آنها توضیح داده شود.

در مقابل گروه بالا، شهود حراف وجود دارند. این گونه افراد هم خطرناک و هم با ارزش اند. تمایل این گونه افراد جهت دادن اطلاعات از مزیت های اساسی آنها می‌باشد اما پایه و اساس اظهارات آنها باید با دقت تمام ارزیابی شده و از چگونگی ارتباط وی با طرفین دعوی یا حادثه مطمئن شد. این گونه افراد چون تمایل بسیاری به تصدیق توسط دیگران دارند همواره تلاش می‌کنند مشاهدات خیالی خود را اظهار نموده و حتی روی برخی از قسمت های گفته های کذب خوب نیز تأکید فراوانی می‌کنند.

برخی از افراد نیز وجود دارند که دروغگویی به عادت به شمار می‌روند. از نظر روانشناسی این نوع دروغگویی حالتی است میان راستگویی و دروغگویی که میزان آن از مقایسه مطالب واقعی و غیر واقعی به دست می‌آید. به طور معمول سخنان دروغ توسط مصاحبه گر ماهر و زیردست زود کشف می‌گردد. اگر تناقضات مکشوفه در طی مصاحبه به فرد یادآوری گردد می‌توان از آنها به نحو مطلوبی بهره برداری نمود. ایده روانشناسان در مصاحبه با این گونه شهود این است که طناب کافی به آنها بدهیم تا خودشان را آویزان نمایند (نجابتی، ۱۳۷۵، ص ۲۶۳). به بیان دیگر فرصت کافی به آنها داده شود تا عرایض خود را بیان نمایند و سپس با همین عرایض و تناقضات موجود به کشف واقع بپردازیم.

در این میان شهود معتبری نیز وجود دارند که همکاری نزدیک با مأمورین می‌نمایند. اطلاعات آنها جهت کشف واقع بسیار مفید می‌باشد اما باید در نظر داشت شهادت آنها تحت تأثیر عواملی مانند سن، صفات جسمانی و روحی، انگیزه و... قرار گیرد. این شهود باید به دقت و سریع شناسایی شده و مورد مصاحبه قرار گیرند تا به اطلاعات با ارزش دست یافته شود.

#### ۲-۲-۲. جهت گیری های عقلی شاهد

متفاوت بودن افراد در زمینه حافظه، نکته بدیهی دیگری است که باید در نظر گرفته شود چرا که بدون شناخت ظرفیت حفظی و نوع حافظه فردی نمی‌توان ارزش شهادت را تعیین نمود. برای مثال فردی که توانایی تحلیل و تفسیر دارد اغلب، به جزئیات می‌پردازد بدون آن که یک دید کلی از مجموعه ارائه دهد. به طور معمول این ویژگی در زنان به خوبی مشهود می‌باشد. در حالی که فرد دیگر، ممکن است به کلیات توجه نماید و جزئیات از نظر وی پنهان بماند. به هنگام تشخیص هویت، فرد اول می‌تواند نشانه‌ها را به خوبی توصیف نماید اما در برابر شخص مجرم، دچار تردید می‌شود، در حالی که دومی، نشانه‌ها را به یاد نمی‌آورد اما مجرم را بازشناسی می‌کند.

در این میان می‌توان افراد را برحسب جهت گیری عقلی به چندین دسته تقسیم نمود که در اصطلاح با لفظ «ریخت» بیان می‌گردد. افرادی که دارای ریخت سطحی هستند به طور معمول به ظواهر قناعت نموده، ناتوان و تلقین پذیرند و اغلب استدلال هایشان نادرست است. افرادی دارای ریخت تفسیری که به تفسیر وقایع در ذهن خود می‌پردازند، واقعیت را به اشتباه آلوده ساخته و بخشی از پرسش‌ها را بدون پاسخ می‌گذارند. شهادت این گروه از قابلیت اعتماد اندکی برخوردار است. افراد دارای ریخت توصیفی مشاهده کننده‌های خوبی بوده و به علت حفظ دقیق مشاهدات، گستره شهادت آنها از دیگران بهتر است اما در زمینه توصیف حالت‌های اشخاص، اغلب دچار اشتباه می‌شوند. اما افراد دارای ریخت هوشمند یا متوازن دارای افکاری روشن و منظم بوده و دقیق‌ترین توصیف را ارائه می‌دهند و از حداقل تلقین پذیری برخوردارند (دادستان، ۱۳۸۰، ص ۲۶۷).

با توجه به توضیحات بالا، مقام بازجو در هنگام مصاحبه باید جهت گیری عقلی شاهد را تشخیص داده تا از این طریق کنترل و هدایت امر را در دست بگیرد.

### ۳-۲-۲. شغل شاهد

شغل و پیشینه افراد، نه تنها در مرحله ادراک بلکه در مرحله بازگویی نیز موثر است. توضیح آن که حرفه و پیشینه افراد موجب تخصیص توجه آنها به امری خاص می گردد. برای نمونه اگر از مکانی عبور شود که در آن کفاش ها مشغول به کارند، فوراً دیده می شود که توجه آنها معطوف به کفش های عابر خواهد بود. حال کفاشی که جزئیات کفش عابری را مشاهده کرده است، امکان دارد در تشخیص و بازگویی جزئیات چهره او، دچار تردید و اشتباه گردد. شغل و حرفه علاوه بر این که باعث عطف توجه به یک موضوع خاص می گردد، محدودیت میدان دید و دقت را در پی خواهد داشت (نجفی توانا، ۱۳۸۶، ص ۱۸۰).

حرفه و تخصص شاهد در هنگام ادای شهادت کمک فراوانی به بازجو می نماید. در پرونده ای که متهم شخص معینی را هدف قرار داده بود یکی از شهود، شکارچی متبحری بود و با دقت ثابت نمود که متهم سلاح خود را در چه جهتی گرفته بود اما شاهد دیگر که در این زمینه فاقد تخصص بود از ادای شهادت معذور بود. با این وجود، باید اضافه نمود اگرچه، ادای شهادت توسط فرد متخصص، صریح تر، مشروح تر و مطمئن تر است اما گاهی خطراتی را نیز در پی خواهد داشت. گاه بر اساس ارزشی که به چنین شهادتی داده می شود و گاه بر اثر اطمینانی که شاهد به اشتباه نکردن خود دارد، غرور بی جا برای شاهد ایجاد می گردد. چگونه شکارچی می تواند اظهار دارد که نتوانسته است تشخیص دهد، شلیک هفت تیر بوده است یا دیگر اسلحه شکاری؟ آن چه به نظر می رسد این است که نباید غرور شاهد را برای ادای شهادت مشروح تحریک نمود بلکه باید از وی خواست تا در کمال آرامش، به بیان آن چه دیده و شنیده پردازد و در هر قسمتی که از آن بی اطلاع است، بازجو را در جریان بگذارد.

علاوه بر آن، اطلاع از شغل می تواند، ما را متوجه گرایش طبیعی شاغل، به دروغگویی و یا سکوت عمدی بنماید. در پژوهشی که به عمل آمد مشاهده گردید مهمانخانه داران بین شهری، متصدیان حمل و نقل، صاحبان کافه و رستوران همیشه سعی می نمایند تا در جلسات محاکمه، خود را بی اطلاع از موضوع نشان دهند. چرا که ضرورت شغلی آنان ایجاب می نماید که با اشخاص متفاوتی در تماس باشند و رازداری میان آنها، یک عرف حرفه ای است.

به همین دلیل فوق است که قانون گذار در ماده ۲۳۶ از قانون آیین دادرسی مدنی و ۲۰۹ از قانون آیین دادرسی کیفری سؤال از شغل شاهد را بر دادرس تکلیف نموده است. پس هنگامی که در صورت مجلس ادای شهادت، شغل شاهد نیز مورد سؤال قرار می گیرد، علاوه بر احراز جنبه عدالت و اطمینان باید به جنبه های روانی مذکور در بالا نیز توجه داشت.

### ۴-۲-۲. سطح فرهنگی شاهد

اختلاف شرایط اجتماعی اغلب به مثابه اختلاف استعداد عقلی است. به وضوح مشاهده می شود که اختلاف سطح روان شناختی یک انسان تحصیل کرده با یک فرد بی سواد تا چه حد است. انسان تربیت شده و با فرهنگ، در مقایسه با یک



انسان بی سواد، در اقامه شهادتی که مطابق با حقیقت باشد کمتر دچار زحمت می شود و یک پیوستگی منطقی در بین اجزای کلامش وجود دارد. دقت او همیشه بیدار و در فرمان اوست. فرهنگ نه فقط به ادراک و تجدید خاطراتی که به حافظه سپرده شده مساعدت می کند بلکه در پرتو یاری آن شاهد می تواند به افکارش تجسم بخشیده و وقایع درک شده را با صراحت و نظم منطقی بیان نماید و البته تا حدودی نیز می تواند فرد باسواد، صداقتش نسبت به افراد بی سواد در ادای شهادت کمتر باشد و این موضوع نیز نباید از نظر قاضی روانشناس نادیده گرفته شود.

### نتیجه گیری

بعد از آگاهی از تأثیر مسائل روانی بر شهادت شاهد، امکان دارد این سؤال به ذهن برسد که با توجه به این مطلب که از دیدگاه اسلام، شهادت از ادله اثبات دعوی بوده است و از سوی دیگر، یافته های روانشناسان تا حدودی از ارزش آن کاسته است، در شرایط فعلی، میزان ارزش و اعتبار آن تا چه اندازه خواهد بود؟

در پاسخ باید عرضه داشت با در نظر گرفتن تأثیرات روانی بر شهود، باز هم نمی توان در پذیرش شهادت به عنوان یکی از ادله معتبر در اثبات دعوی خدشه وارد نمود؛ چرا که بدیهی است که یکی از رایج ترین راه های کشف واقعیت، شهادت شاهد مورد اعتماد می باشد و به رغم ایرادهای فوق، تاکنون هیچ یک از نظام های حقوقی، شهادت شاهد را از فهرست ادله اثبات دعوی خود حذف نکرده است و همواره در احکام صادره به آن استناد می شود.

به بیان دیگر تأثیر مسائل روانی بر شهادت، با دلیل اثباتی بودن آن قابل جمع است. این مطلب با توجه به نظریه طریقت داشتن شهادت های عرفی هم امری پسندیده است. علم روان شناسی از علوم جدید است و روان شناسی قضایی نه تنها موجبات تضعیف شهادت را به وجود نمی آورد بلکه به امر شهادت، کمک و آن را تقویت می نماید. قاضی ماهر باید در اخذ شهادت از شاهد، تأثیرات روانی را پیش بینی نموده و سعی کند از تأثیر آنها بر شاهد جلوگیری نماید و بعد از اخذ شهادت نیز، آن را تجزیه و تحلیل روانی بنماید، جنبه های روانی آن را استخراج و در نهایت جنبه های خالص و به دور از تأثیرات روانی را مبنای حکم خویش قرار دهد.

در اینجا لازم می دانم پیشنهادی مطرح کنم و آن اینکه قضات در دوره کارآموزی یا دوران تحصیل حقوقی حداقل چهار واحد درسی روانشناسی قضایی بیاموزند که مبادی این موضوع در بدو امر، وزارت علوم و قوه قضائیه خواهد بود.

### منابع

۱- اسوانسون، چارلز و دیگران، ترجمه نجابتی، مهدی و دیگران، تحقیقات جنایی، چ ا، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ساجد)، تهران، ۱۳۷۵

۲- آشوری، محمد، عدالت کیفری، چ ۱، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶

- ۳-التاویلا، انریکو، ترجمه کی نیا، مهدی، روانشناسی قضایی، ج ۱ و ۲، چ ۲، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۴
- ۴-انصاری، ولی اله، حقوق تحقیقات جنایی، چ ۱، سمت، تهران، ۱۳۸۰
- ۵-ام هس، گان و دبلیو، بنت وین، ترجمه بهرام زاده، جاوید و دیگران، تحقیقات جنایی، چ ۱، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ۱۳۸۵
- ۶-دادستان، پریخ، روانشناسی جنایی، چ ۶، سمت، تهران، ۱۳۸۷
- ۷-سمونز، آیدن و بوت واین، دیوید، ترجمه نجفی توانا، داوود، روانشناسی جرم، چ ۱، میزان، تهران، ۱۳۸۶
- ۸-نجفی توانا، علی، روانشناسی قضایی ویژه کارآموزان قضایی، ۱۳۸۵